

سرمایه‌گذاری پژوهشی آموزش عالی آب‌رفت

در رده‌بندی موضوعی QS برخی دانشگاه‌های بزرگ دولتی افت فاحشی داشته‌اند

هشدار برای فناوری! افت ۱۰۰ رتبه‌ای دانشگاه‌های دولتی



فرهیختگان

دانشگاه

معاون علوم تربیتی و مهارتی
دانشگاه آزاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دانشکده‌های موضوعی مهارت‌پایه جهش تولید را به مردم منتقل می‌کنند



خبر

دکتر طهرانچی: کارکرد دانشگاه در تربیت، فرهنگ، علم و فناوری تعریف می‌شود

سند تحول و تعالی دارد که در ۱۰ بسته کاری، خودسازی و جامعه‌پردازی را دنبال می‌کند.»
رئیس دانشگاه آزاد با بیان اینکه مقام معظم رهبری بهترین تمدن‌پژوه کشور است، گفت: «دانشگاه آزاد با درک اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، شش مرحله برای بازسازی جریان علمی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی طراحی کرده که از رستاخیز علمی آغاز شده، به انقلاب علمی، تولید نظریه و فکر، مرجعیت علمی و رهبری علم جهانی می‌رسد و آخر این مسیر به تمدن نوین اسلامی ختم خواهد شد.»
دکتر طهرانچی به تشریح بازآرایی ساختار نظام علمی دانشگاه آزاد پرداخت افزود: «در این بازآرایی در کنار کلاس‌های نظری به کاربردی و کارآموزی و کارورزی دانشجویان توجه داریم و محیط‌های پایه و عرصه را طراحی کرده‌ایم. یکی دیگر از اتفاقاتی که دانشگاه آزاد رقم زد ایجاد دانشکده‌های موضوعی است که یکی از آنها دانشکده فرهنگ و تمدن است که ذیل معاونت علوم انسانی و هنر قرار دارد و گروه‌های زبان و ادبیات فارسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، فرهنگ و ادبیات ملل و... نیز ذیل این دانشکده قرار می‌گیرد.»
رئیس دانشگاه آزاد در پایان گفت: «غرب در نظریه اروپامحوری، تمدن ما را از کتاب‌های خود حذف کرده و داعش نیز به دنبال حذف فیزیکی آثار و بناهای تمدنی منطقه ما بود و اکنون نیز اندیشه جوانان ما را نشانه گرفته‌اند. در مواجهه با این جریان باید از نظر مبانی و عرصه در حوزه تمدن نوین اسلامی کارهای جدی انجام دهیم.»
در ادامه این نشست همایون رئیس هیات مدیره انجمن علمی تمدن نوین اسلامی به شکل‌گیری این انجمن اشاره کرد و گفت: «بهمن ۱۳۹۷ تمدن‌پژوهان با مقام معظم رهبری دیدار داشتند. ایشان در این دیدار بر اهمیت پرداختن به موضوع تمدن نوین اسلامی تأکید داشتند.» وی افزود: «پس از این نشست، پیشنهاد راه‌اندازی انجمن تمدن نوین اسلامی به وزارت علوم ارائه شد و پس از انتخاب اعضای هیات موسس و هیات مدیره، مجوز رسمی تأسیس «انجمن علمی تمدن نوین اسلامی» صادر شد.» همایون خاطرنشان کرد: «این انجمن به صورت تخصصی به ابعاد تمدن نوین اسلامی می‌پردازد.»
لازم به ذکر است در این نشست جمعی از اندیشمندان حوزه تمدن اسلامی و تمدن‌پژوهان به بیان نظریات و مطالب خود در حوزه تمدن نوین اسلامی پرداختند.

نشست هم‌اندیشی تمدن‌پژوهان با حضور دکتر محمد مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، مهدی نویداد هم‌دبیرکل هیات موسس دانشگاه آزاد، محمدهادی همایون معاون علوم انسانی و هنر، فرزاد جهان‌بین معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد، محمد رضا حسینی‌آهنگر رئیس دانشگاه جامع امام حسین (ع)، اعضای هیات مدیره انجمن علمی نوین اسلامی و جمعی از اندیشمندان این حوزه برگزار شد. دکتر طهرانچی در این نشست، با اشاره به رسالت دانشگاه آزاد در نقش آفرینی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی گفت: «رسالت ما در این حوزه، بیانات مقام معظم رهبری است که فرمودند اکنون مهم‌ترین سوال این است که دانشگاه‌ها با استفاده از این میراث تاریخی و علمی و تجربه گراقتدر انقلاب اسلامی، چگونه می‌توانند در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی که همان «جامعه آرمانی اسلام» است، نقش آفرینی کنند. باید تمام برنامه‌ها و مسیر حرکت دانشگاه‌ها در جهت نقش آفرینی در ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد.»
رئیس دانشگاه آزاد با اشاره به مقاله نیچر در سال ۲۰۰۵ اظهار کرد: «سردبیر اروپایی مجله نیچر در سال ۲۰۰۵ و پس از آنکه ایران اولین مقاله تجربی خود را در مقالات علوم شناختی این نشریه به چاپ رساند، به ایران سفر کرد و مقاله‌ای تحت عنوان «رژیم بزرگ ایرانیان» منتشر کرد. او در این مقاله عنوان کرد که مرجعیت علمی در ایران در حال بازسازی دوباره است مگر اینکه اغتشاش سیاسی یا تحریم‌های اضافی سر راه ایران قرار گیرد.»
وی ادامه داد: «نویسنده این مقاله تأکید کرده بود که «هیرایران صورت تأییدگذاری مسیر توسعه کشور را با مسیر توسعه علم گره زده و فراخوان ایشان توسط جامعه علمی دریافت شد. ایرانیان همان افرادی هستند که از سرمایه و میراث تمدنی خود در علم و رهبری علم جهان اطلاع دارند.» در این تئوری می‌توان به ریشه و هدف اغتشاشات سال ۱۳۸۸ و تحریم‌های پس از سال ۲۰۰۵ پی برد.»
دکتر طهرانچی با اشاره به الگوری کارکرد و نقش آفرینی دانشگاه آزاد در حوزه آموزش عالی و جامعه، خاطرنشان کرد: «کارکرد دانشگاه در تربیت، فرهنگ، علم و فناوری تعریف می‌شود و دانشگاه می‌خواهد در اقتصاد، نوآوری و موضوعات اجتماعی نقش آفرین بوده و در محیط بین‌المللی پیشران، الهام‌بخش، مرجعیت آفرین و در نهایت تمدن‌ساز باشد. بر این اساس، دانشگاه آزاد برای چهار نظام تربیتی، علمی، فرهنگی و فناوری یک

آگاه باشند، حق دارند پرسشگری کنند؛ حق دارند نقد کنند؛ حق دارند نظر بدهند؛ حق دارند از مزیت مجامع مدنی و رسانه‌های آزاد اما قانونگرا و اخلاق‌مند برای پیگیری حقوق خود بهره ببرند. از این تعبیر امام را حل، فراتر نمی‌توان یافت که در جمهوری اسلامی مردم ولی نعمت همه مسئولان به شمار می‌روند. ولی نعمت با اصلاحات مدرن درباره ارزش و اهمیت مردم، بار معنایی عمیق‌تری دارد.

افروغ به دینداری خود مباهات می‌کرد

دکتر افروغ از آن جنس دانشگاهیانی نبود که برای روشنفکران نشان دادن خود، بین خود و دینداری در فکر و عمل فاصله ایجاد کند. رویکرد مرحوم دکتر افروغ به اسلام، یک رویکرد سطحی، کم‌عمق و کاریکاتوری نبود. او دینداری قشری زده و خالی از معنا را قبول نداشت. تفکر عمیق در امر الهی را به مثابه یک امر عظیم که یک ساعت آن برابر ۱۰ سال عبادت است، جدی می‌گرفت.
خط دکتر افروغ در حوزه فکر دینی، خط علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری بود. این خط یعنی خط نواندیشی و اصلاح‌گری بی‌غل و غش دینی. لذا مرحوم افروغ از طرح پرسش‌ها، مسائل و شبهات دینی هراسی نداشت و این مسائل و شبهات و مواجهه صحیح با آنها را عامل تقویت دین و دینداری تلقی می‌کرد. به تحرک و به پویایی فکر دینی باور داشت و فلسفه صبرایی که پیوندی روشمند میان قرآن، برهان و عرفان برقرار کرده بود را در این جهت، یک تکیه‌گاه مهم تلقی می‌کرد.
جدای از ساحت فکر و نظر، مرحوم دکتر افروغ در عرصه عمل نیز در حد توان عامل به دین بود. او یک دیندار آخرت‌گرا و ابداندیش بود و آرزوی عاقبت به خیری داشت. اخلاق برایش مهم بود. صدق به عنوان گوهر اخلاق برایش مهم بود. هم اخلاق فردی و هم اخلاق اجتماعی. حق الناس برایش مهم بود. هم حق الناس فردی و هم حق الناس اجتماعی. ابایی نداشت که چنانچه در گفتار و رفتارش ناخواسته کسی را آزرده کرد، از او خالصانه عذرخواهی کند؛ و این خصالت‌ها بود که دکتر افروغ را پیش خیلی‌ها عزیز کرده بود.
دکتر افروغ با دست پر و با آبرو رخت از جهان فانی بست و نظرات، آثار و تالیفات گرانبهایش و سلوک عملی ارزشمندش از او به یادگار ماند و چراغ راهی برای همه ما و آیندگان شد. البته خیلی از آثار و اندیشه‌های دکتر افروغ ناشناخته مانده است. این امید وجود دارد که با محوریت خانواده و همکاران و شاگردان ایشان، روی دیدگاه‌های دکتر افروغ کار شود؛ روی افکارش، تأمل و ژرف‌اندیشی شود؛ آرای او به نقد گذاشته شود. به پیروزی رسید و تثبیت شد، و تداوم حیات انقلاب هم در گرو حفظ همین حمایت و مشارکت است.
همه مردم ایران با هر گرایش و با هر ظاهر و سلیقه‌ای برادران و خواهران یا فرزندان ما هستند. خوشبختی آنها خوشبختی ماست، رنج آنها رنج ماست. نگرانی‌های آنها نگرانی‌های ماست. آن‌ها حق دارند از همه مسائل

انقلابی نسبت به حرکت انقلاب لاف‌لاقی پنج چیز است که همه اینها در کنش‌های فکری و عملی مرحوم افروغ در مواجهه با حرکت انقلاب مشهود بود. اول اینکه آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب را عقل‌کاوی کرده و سپس آنها را به دکتربین‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های قابل دفاع و البته زنده و پویا تبدیل کند. دوم اینکه با رصد دائمی حرکت‌های کلان و جزئی اما مهم انقلاب، انحرافات را به موقع و دقیق تشخیص دهد و جسورانه به رفع آلودگی‌ها و ناخالصی‌ها از انقلاب اهتمام کند. به بیان دیگر، دکتر افروغ هر کجا لازم دید برای صیانت از اصالت‌های انقلاب اسلامی فریاد کشید و هزینه‌های آن را هم شجاعانه پرداخت کرد. سومین مساله اینکه واقع‌بینی صحیح را با آرمانگرایی صحیح پیوند بزند و اجازه ندهد آرمان‌گرایی بر واقع‌گرایی و واقع‌گرایی بر آرمان‌گرایی غلبه کند. چهارمین مولفه آن است که با آینده‌پژوهی مستمر، هم موقعیت حرکت انقلاب در آینده را معرفی کند و هم راه درست را در مواجهه با آینده به همگان نشان دهد و در نهایت پنجم آنکه قوه عقلی و گزینشی لازم برای فهم و بهره‌گیری از دستاوردهای جهانی و حتی ارتباط و تعامل با جهان در جهت اهداف و آرمان‌های مشترک را در اختیار جریان انقلاب قرار دهد. مثلا به جای سیاه و سفید دیدن غرب و مدرنیت، تصویر واقع‌گرایی از آن را به مخاطب خود ارائه کند.
همچنین وقتی دکتر افروغ را به عنوان یک انقلابی منتقد، عالم و منصف توصیف می‌کنیم، یعنی او در انقلابی بودن خود عوام‌زده نبود. در عین حال که برای خوشامد کسی اظهار نظر نمی‌کرد؛ برای خوشامد کسی از صراحت لجهج خود نمی‌کاست؛ برای خوشامد کسی سکوت هم نمی‌کرد. یعنی عواطف و احساساتش بر عقلش و بر قوه واقع‌گرایی‌اش تسلط پیدا نمی‌کرد. یعنی دچار جزوگی نمی‌شد. یعنی دکتر افروغ محافظه‌کار نبود و اصلاح حرکت انقلاب را قربانی احتیاطات و مصلحت‌اندیشی‌های غیرمنطقی، منفعلانه یا نفع‌طلبانه نمی‌کرد.
یعنی دکتر افروغ دچار «جناح‌زدگی» و «خودهمه‌حق‌پنداری» و «انحصارگرایی سیاسی» نبود و لذا همان‌طور که اشاره شد، با هر عنصر سیاسی که او را برای برای انقلاب مفید تشخیص می‌داد و صدقش قابل احراز بود، ارتباط داشت.
از جمله حساسیت‌های مرحوم دکتر افروغ، پشتوانه مردمی انقلاب و لزوم باز نگاه داشتن درهای نظام برای مشارکت اکثری مردم بود. این سخنانی که بعضی‌ها با تقسیم‌بندی مردم به خوب و بد مطرح می‌کنند و محدودسازی مشارکت سیاسی را به اسم دین توجیه می‌کنند، چیزی نبود که با اندیشه امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و چهارچوب فکری دکتر افروغ درباره انقلاب اسلامی جور درآید.
دکتر افروغ با هر رویکردی به سیاسی به نام انقلاب اسلامی که از دل آن درجه‌ای از تمامیت‌خواهی و استبداد بیرون بیاید به جد مخالف بود. از منظر افروغ، این انقلاب و نظام با حمایت و مشارکت اکثریت مردم به پیروزی رسید و تثبیت شد، و تداوم حیات انقلاب هم در گرو حفظ همین حمایت و مشارکت است.
همه مردم ایران با هر گرایش و با هر ظاهر و سلیقه‌ای برادران و خواهران یا فرزندان ما هستند. خوشبختی آنها خوشبختی ماست، رنج آنها رنج ماست. نگرانی‌های آنها نگرانی‌های ماست. آن‌ها حق دارند از همه مسائل

رضا غلامی در حرم امام خمینی (ره) مطرح کرد

عماد افروغ یک روشنفکر انقلابی بود

مراسم اولین سالگرد درگذشت عماد افروغ، اندیشمند و جامعه‌شناس کشور روز گذشته در صحن شهید مصطفی خمینی حرم امام خمینی (ره) برگزار شد و در آن رضا غلامی، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی سخنانی به این شخصیت علمی کشور پرداخت که متن کامل صحبت‌های او را در ادامه می‌خوانید.

افروغ به معنای دقیق کلمه آزاداندیش بود

ممکن است سوال شود آزاداندیش به چه معناست. آزاداندیشی یعنی استقلال فکری داشتن. یعنی تعصب و هواداری افراطی از هیچ مکتب فکری در ایشان مشاهده نمی‌شد. نظریات مشهور و تابورسازی‌های شبه علمی او را مرعوب نمی‌کرد. یعنی دچار تحجر و دکماتیسیم فکری نبود. تابع عقل و عقلانیت بود؛ لذا هر کجا منطق و دلایل عقلی اقتضا می‌کرد انعطاف پذیر بود و هر کجا منطق و دلایل عقلی اقتضا می‌کرد، بر مواضع خود می‌ایستاد. در برابر دلیل عقلی فزونی خود را به زیبایی نشان می‌داد. آزاداندیش؛ یعنی سیاست‌زده نبود و در کار علمی می‌توانست همه گرایش‌های سیاسی را یک جا کنار بگذارد. به خاطر رفاقت سیاسی یا به جهت همکاری سیاسی با اشخاص، قضاوت علمی خود را از بی‌طرفی خارج نمی‌کرد.
دکتر افروغ در همکاری‌های خود اهل خط‌کشی‌های کاذب سیاسی نبود. با کسانی که از جهت فکری یا از جهت سیاسی با دکتر افروغ تفاوت جدی داشتند، حاضر به همکاری و تعامل علمی و فکری بود. به همین دلیل خلی‌ها از طیف‌های فکری گوناگون و به رغم اختلاف فکری و سیاسی با مرحوم افروغ مجذوب و علاقه‌مند او بودند. همچنین وقتی می‌گویم افروغ آزاداندیش بود، یعنی حقیقت‌گرا بود و برای دست‌یابی به حقیقت، قید و بندها را رها کرده بود.
شاید همین آزاداندیشی دکتر افروغ بود که او را به سوی بازنشسته شدن زود هنگام از دانشگاه ترغیب کرد. دکتر افروغ نمی‌خواست به کارمند تبدیل شود. نمی‌خواست اسیر بوروکراسی افسارگسیخته نوظهور در دانشگاه‌ها بشود. نمی‌خواست در کار علمی از استقلال خارج شود؛ بنابراین، با شجاعت نیت خود را در بیرون آمدن از دانشگاه عملی کرد و به قول خودش، بیشترین آثار علمی‌اش پس از خروج از دانشگاه تالیف شد. آن زمان که دکتر افروغ تصمیم بر رفتن از دانشگاه گرفت، بعضی‌ها متوجه شدند که این تصمیم صرفاً مبتنی بر یک عذر شخصی اتخاذ نشده، بلکه یک اقدام انتقادی در مسیر اصلاح قواعد عقب‌گرا در خیلی از دانشگاه‌های علوم انسانی بود.
دکتر افروغ در کنار دیدگاه‌های علمی متنوع که اغلب از پشت عینک افروغ بوی تازگی پیدا کرده بود، با زرخا و بسط‌دهنده نظریه رئالیسم انتقادی در ساحت جامعه‌شناسی، فلسفه سیاسی و فلسفه علم بود. رئالیسم انتقادی علاوه بر اینکه برای شرایط ایران، از مزایای فراوانی برخوردار است، با طرز فکر و مشی مرحوم دکتر افروغ به عنوان یک روشنفکر انقلابی هم سازگار بود. افروغ به حقیقت انقلاب و رسالت تاریخی آن باور داشت اما در مواجهه با حرکت انقلاب اسلامی، منتقدی عالم، دلسوز و منصف بود. حال این به چه معناست؟ یعنی وظیفه خودش را به عنوان یک روشنفکر انقلابی به خوبی درک می‌کرد و انجام می‌داد. به نظر می‌رسد وظیفه یک روشنفکر